

شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر آموزش کارآفرینی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه (رویکرد کیفی)

جواد جدی گرگری^۱، یوسف محب‌زادگان^۲، محمد عزیزی^۳

چکیده

باتوجه به نقش و اهمیت کارآفرینی در ابعاد زندگی انسان‌ها از نظام آموزشی هر کشوری انتظار می‌رود شهروندان شایسته و کارآفرین تربیت نماید. این پژوهش با هدف شناسایی مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه انجام گردید. تحقیق حاضر با رویکرد کیفی (به روش گراند تئوری و با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی) و با کمک نرم افزار Nvivo صورت گرفت. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه انجام گرفت و روش گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختار یافته است. مشارکت‌کنندگان پژوهش را خبرگان، استادان و صاحب‌نظران اجرایی و دست‌اندرکاران حوزه آموزش کارآفرینی تشکیل می‌دادند. در پژوهش از نمونه‌گیری با رویکرد هدفمند و روش نمونه‌گیری نظریه‌ای استفاده گردید. نمونه افراد پس از لحاظ اصل اشباع نظری ۱۳ نفر تعیین شد. معیار انتخاب افراد نمونه کسانی بودند که بتوانند در ارتباط با اهداف پژوهش حاضر اظهار نظر دقیق و کارشناسانه داشته باشند. محقق پس از کدگذاری باز و فرایندی مصاحبه‌های انجام شده عوامل احصا شده را در قالب شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، استراتژی و پیامد معرفی نمود. تحلیل یافته‌ها حاکی از آن است که ۷ مؤلفه اصلی با ۲۸ زیر گروه شامل (ویژگی‌های فردی یادگیرنده، آموزش‌های غیررسمی، محیط آموزشی، حمایت‌های دولت، جامعه کسب‌وکار، روش‌های تدریس و منابع انسانی) اصلی‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر ایجاد و توسعه آموزش کارآفرینی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه به شمار می‌آیند. ضمناً مدل نهایی آموزش کارآفرینی بر اساس یافته‌های پژوهش ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: آموزش، دانش‌آموزان، کارآفرینی، مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی.

۱. دانشجوی دکتری گروه کارآفرینی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، ایران. mohamadata96@gmail.com

۲. استادیار وزارت علوم تحقیقات و فناوری تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) moheb56@yahoo.com

۳. استادیار گروه کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. m_azizi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۴/۱ تاریخ دریافت مقاله نهایی: ۱۴۰۰/۷/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۱۸

مقدمه

امروزه کارآفرینی به‌عنوان موتور توسعه اقتصادی معرفی می‌گردد که با تحولات سریع جهانی همراه شده و موجب گذر از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی در عرصه کارآفرینی کشورهای موفق خواهند بود که فرصت‌های شغلی را تنها به چهارچوب جغرافیایی خود محدود نسازند، بلکه فضای کاری وسیعی به وسعت جهان در ذهن خود داشته باشند. توسعه سریع و پیوسته فناوری به همراه اقتصاد شبکه‌ای تأثیر قابل توجهی بر انواع امکانات برای گسترش مفاهیم کسب‌وکار خلاقانه‌ای که بر پایه شبکه‌های اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی ایجاد گردیده، دارند بی‌توجهی به توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، چالش‌های جدی در زمینه اقتصادی و کارآفرینی، به‌خصوص کارآفرینی به همراه دارد (Imani et al, 2018). مفهوم کارآفرینی، گسترده‌تر از مفهوم تأسیس کسب‌وکار است. در حال حاضر، شناخت فرصت‌ها، در نظر گرفتن خطرات مرتبط با امنیت و جدیت در پیاده‌سازی ایده‌های نوآورانه از ویژگی‌های مهم رفتار کارآفرینی به شمار می‌آید (Kraus ; Morris et al, 2011). (et al, 2011).

از آنجایی که یکی از مؤلفه‌های مهم کارآفرینی دارا بودن مهارت است، جامعه و سازمان می‌تواند در مسیر توسعه حرکت رو به جلویی داشته باشد که با ایجاد زمینه‌های لازم منابع انسانی خود را به دانش و مهارت کارآفرینی تجهیز کند، تا آن‌ها با استفاده از این توانمندی ارزشمند، سایر منابع جامعه و سازمان را به‌سوی ایجاد ارزش و حصول رشد و توسعه مدیریت و هدایت کنند. اهمیت کارآفرینی موجب شده است که دانشگاه‌های بزرگ جهان آموزش و توسعه تفکر کارآفرینی را در دستور کار خود قرار دهند. بهترین دلیل بر این امر خلاصه اعلامیه جهانی درباره آموزش دانشگاهی است که در اکتبر ۱۹۹۸ زیر نظر یونسکو در پاریس صادر و در آن گفته شد که توسعه مهارت‌ها و ابتکارهای کارآفرینی باید در زمره دل‌نگرانی عمده آموزش دانشگاهی باشد (Farang et al, 2016). در این خصوص، نتایج بررسی‌ها نشان داد که آموزش مهارت‌های کارآفرینی از یک‌سو در مؤسسات آموزش عالی نیاز اساسی به شمار می‌رود و از سوی دیگر، مقدمه سیاست‌های ترویج نوآوری در سطوح خرد و کلان در اقتصاد کشورها است (Kucel et al, 2016).

کمیسیون آموزش کارآفرینی اروپا در گزارش ۲۰۱۶ خود اعلام کرده است توسعه نگرش‌ها، مهارت‌ها و دانش کارآفرینانه به افراد این امکان را می‌دهد که ایده‌های خود را به عمل تبدیل کنند. از نظر این کمیسیون یکی از نتایج آموزش کارآفرینی تأثیر بر نگرش افراد درباره کارآفرینی است (Movahedi and Soleymanian, 2017). یکی از موارد قابل تأمل در آموزش دانش‌آموزان انتقال دانش میدانی از مفاهیم کسب‌وکار، اهمیت کارآفرینی و ایجاد کارگاه‌های آموزشی تخصصی برای ارزیابی علاقه‌مندی دانش‌آموزان به رشته‌های مختلف تحصیلی برای جهت‌گیری هر چه دقیق‌تر تحصیلی در آینده می‌باشد. مفهوم و تعریف کارآفرینی با توجه به ماهیت و ساختار نظام‌های آموزشی

مورد توجه قرار می‌گیرد. با این نگرش، کارآفرینی در آموزش و پرورش، فرایند منظم و مستمری است که از یک‌سو به شناسایی و بهره‌برداری مؤثر از کلیه منابع درونی و بیرونی نظام آموزشی منجر می‌شود و از سوی دیگر، موجب ایجاد فرصت‌های جدید یاددهی و یادگیری می‌گردد (Henry et al, 2005). این فرایند با تکیه بر دو محور آموزش فراگیر کارآفرین و فراهم آوردن زمینه‌های به‌روز و ظهور آن محقق می‌شود. از آنجا که صفات کارآفرینی اکتسابی بوده نه ارثی و ژنتیکی، باید آموزش و پرورش با برنامه‌ریزی و سازماندهی، زمینه‌های رشد خصوصیات روحی دانش‌آموزان را در جهت ایجاد روحیه کارآفرینی فراهم کند و این ویژگی‌ها را در آنان پیرواراند (Kim, 2010).

آموزش و پرورش به عنوان رکن اصلی آموزشی دانش‌آموزان می‌تواند با سیاست‌گذاری کلان در بخش آموزش دانش کارآفرینی نقش بسزایی در ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان در همان سنین پایین تحصیل برای ایجاد شغل و بنگاه اقتصادی در آینده بعد از فراغت از تحصیل ایفا کند. این دانش‌آموزان با کسب مفاهیم اولیه کسب‌وکار در مدارس و شرکت در مجامع طراحی شده برای انتقال تجربیات کارآفرینان موفق و جوان دارای نگرش کارآفرینی شده و جهت‌گیری تحصیلی خود را بر این اساس برنامه‌ریزی خواهند کرد. لذا داشتن هدف مشخص در این جوانان برای بعد از فراغت از تحصیل کمک شایانی به رشد اقتصادی کشور از طریق بنگاه‌های اقتصادی نوپا توسط همین متخصصان جوان می‌کند (Park and Ahn, 2016). آموزش کارآفرینی موجب اصلاح توانایی دانستن، چگونگی و چراهای دستیابی به اطلاعات جدید و توانایی دسترسی به اطلاعات سودمند در حداقل زمان، توانایی انتخاب ترکیبات، اپتیمم زمانی برای بازاریابی محصولات و حمل و نقل آن‌ها، و توانایی انجام عملیات تجاری به منظور کارا تر شدن چشم‌انداز اقتصادی می‌گردد (Val et al, 2017). در مؤلفه‌های کاربردی و عملی برنامه‌های درسی، کمترین توجه مربوط به عنصر کارآفرینی است. بر این اساس به برنامه‌ریزان درسی پیشنهاد می‌شود که جایگاه عنصر کارآفرینی در برنامه‌های درسی را مورد بازشناسی قرار داده و راهکارهایی برای افزایش ماهیت کارآفرین بودن این برنامه‌ها ارائه کنند. شناسایی ظرفیت‌های کارآفرینی با توجه به ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی کشور می‌تواند راهگشا باشد (Mehdipoor, 2016).

در نظام آموزش و پرورش ما آموزش کارآفرینی به صورت مدون و کاربردی وجود ندارد. در این صورت، دانش و یادگیری به بازار کسب‌وکار نزدیک نشده و مهارت و حرفه‌آموزی نیز در مدارس به چشم نمی‌خورد. زیرا با وجود آموزش کارآفرینی است که چرخه اقتصاد موفق یک کشور به طور مداوم به حرکت در می‌آید. نارسایی در پیکره آموزش و پرورش را باید در فقدان آموزش کارآفرینی در مدارس جستجو نمود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در عصر متحول کنونی و با توجه به نرخ بیکاری، کارآفرینی راه‌حل مفیدی است که می‌تواند میزان اشتغال و خوداشتغالی را افزایش داده و در نتیجه موجب توسعه اقتصادی کشورها شود. در ایران، ادغام آموزش کارآفرینی در برنامه درسی مدارس موجب غنی‌سازی تجارب یادگیری فراگیران و افزایش ارتباط میان مدرسه و صنعت و کشاورزی است و نیز فرصتی برای آموذن محتوا و روش‌های تدریس کارآفرینی به خاطر تازگی موضوع ایجاد می‌کند باشد (Mohammadaminzadeh, 2016)؛ به این ترتیب آموزش کارآفرینی باید نقطه آغاز برنامه درسی قرار بگیرد. بر همین اساس گنجاندن زندگی واقعی کارآفرینان موفق در محتوای درسی و دوره‌های آموزشی از اهمیت بالایی برخوردار است (Ebrahimi and Zarei, 2008).

کارآفرین با استفاده از خلاقیت و نوآوری می‌تواند بر پیچیدگی و پویایی جهان امروز غلبه کند و در کار خود موفق شود. خلاقیت و نوآوری برای یک کارآفرین لازم و ملزوم یکدیگر هستند و هیچ یک بدون دیگری به تنهایی برای کارآفرین مؤثر نیستند. از طرفی کارایی خلاقیت، نیاز به آموزش کارآمد و توانمندی در کاربرد شیوه‌های جدید دارد که بدون پژوهش علمی میسر نیست. از سوی دیگر یک عامل کلیدی دیگر در رشد و توسعه، پیشرفت فناوری است که خود پیوندی زنده با تحقیقات علمی دارد. توجه به پدیده تحقیق و توسعه در کشورهای پیشرفته و وجود مؤسسه‌های فراوان مرتبط با آن نشانه این امر است (Kirkley, 2017).

آموزش رسمی کارآفرینی عبارت است از آموزش کوتاه‌مدت مهارت‌های مورد نیاز برای شروع و تداوم یک کسب‌وکار به صورتی که نتایج آن نیز در زمانی کوتاه قابل حصول باشد (Jarvi, 2012). از این رو، آموزش‌های غیررسمی کارآفرینی برخلاف آموزش‌های رسمی در بازه زمانی کوتاه‌تری ارائه می‌شود و نتایج آن نیز در مدت کوتاه‌تری قابل مشاهده است. در نتیجه، توجه به ارائه مهارت‌های کاربردی و بهره‌گیری از تجارب پیشین در این گونه آموزش‌ها ضروری است. یکی از مهم‌ترین دلایل شکست کارآفرینان، نداشتن مهارت‌های مورد نیاز برای به‌ثمر رساندن فعالیت‌هاست. از این رو، آموزش مهارت‌های کارآفرینی برای آغاز و تداوم فعالیت‌های کارآفرینانه امری ضروری به نظر می‌رسد. هدف فراگیران از شرکت در دوره‌های آموزشی، نوع مهارت‌های تخصصی مورد نیاز آنان را مشخص می‌کند (Zia, and Veqar Mousavi, 2016). در حوزه آموزشی و درسی، چندان به مهارت‌های تفکر و زندگی و کارآفرینی توجهی نشده است. زیر نظام برنامه درسی باید به شش ساحت تربیتی توجه متوازن و همه‌جانبه داشته باشد. رویکرد زیرنظام برنامه درسی، باید تلفیقی باشد. در حال حاضر، خلاء پرورش دانش‌آموز خلاق و کارآفرین در این حوزه بسیار مشهود است (Ghajari et al, 2020).

گنجعلی و باقری مجد^۱ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان تأثیر جهت‌گیری کارآفرینانه بر رفتار کارآفرینی با میانجی‌گری قصد کارآفرینی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی مهندسی دانشگاه سیستان و بلوچستان با نمونه ۲۶۰ نفری را بررسی کردند. ابزار پژوهش سه پرسش‌نامه استاندارد جهت‌گیری کارآفرینی فردی بولتن و لین (۲۰۱۲)، رفتار کارآفرینانه اسشمیدت و همکاران (۲۰۱۸) و قصد کارآفرینی لینان و چن (۲۰۰۹) بود. روایی تأییدی و پایایی هر سه ابزار مناسب گزارش شد. روش تجزیه و تحلیل با استفاده از نرم‌افزار Lisrel ۸/۵ مدل معادلات ساختاری بود. نتایج نشان داد، جهت‌گیری کارآفرینانه فردی به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق قصد کارآفرینی بر رفتار کارآفرینانه مؤثر است. همچنین قصد کارآفرینی بر رفتار کارآفرینانه به صورت مستقیم مؤثر بود. می‌توان گفت ارزش‌های ریسک‌پذیری، فعال بودن و نوآوری در کنار قصد کارآفرینی نقش سازنده در رفتار کارآفرینانه خواهند شد. به نوعی در تحرک و ایجاد رفتار کارآفرینی دانشجویان، نگرش‌ها و شخصیت فرد به همراه هدف معین نقش سازنده دارد.

یی^۲ (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان از اهداف کارآفرینی سبز تا رفتارهای کارآفرینانه سبز: نقش حمایت از کارآفرینی دانشگاه و حمایت نهادی بیرونی نشان دادند قصد کارآفرینی سبز تأثیر مثبتی بر رفتار کارآفرینی سبز دارد و پشتیبانی کارآفرینی دانشگاه همراه با پشتیبانی نهادهای خارجی دارای نقش واسطه‌ای کلیدی می‌باشند.

عبدالهی و همکاران^۳ (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان تأثیر آموزش کارآفرینی آموزشی معلمان بر کارآفرینی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه به بررسی معلمان و دانش‌آموزان مدارس غیردولتی دوره اول متوسطه منطقه ۲ استان البرز پرداختند. گروه اول نمونه تحقیق؛ دانش‌آموزان کلاس نهم که به صورت تصادفی در دو گروه آزمایشی و کنترل (۳۰ نفره) و گروه دوم معلمان شاغل - هر درس کلاس نهم توسط دو معلم تدریس می‌شود - به صورت تصادفی در دو گروه (۱۵ نفره) قرار گرفتند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات الف) بسته آموزشی محقق ساخته "کارآفرینی آموزشی" ب) پرسش‌نامه کارآفرینی جهانی و همکاران (۱۳۹۲) در این پژوهش بود. روایی و پایایی ابزارها نیز مورد تأیید متخصصان قرار گرفت. پس از اجرای بسته آموزشی در گروه آزمایشی معلمان و برگزاری پس‌آزمون در دو گروه معلمان، ابتدا دانش‌آموزان هر دو گروه در پیش‌آزمون شرکت نموده و معلمان آموزش دیده در کلاس نهم گروه آزمایشی تدریس نمودند؛ سپس دانش‌آموزان هر دو گروه در پس‌آزمون شرکت نمودند. تحلیل داده‌های آموزش معلمان با استفاده از آزمون T دو گروه مستقل نشان داد که نمرات گروه آزمایشی به صورت معنی‌داری بیش از گروه کنترل می‌باشد و نتایج تحلیل داده‌های دانش‌آموزان، در پیش‌آزمون و پس‌آزمون با استفاده از آزمون تحلیل کواریانس نشان داد که آموزش

1 - Ganjali and Bagherimajd

2 - Yi

3 - Abdolahi et al

کارآفرینی آموزشی معلمان بر کارآفرینی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه تاثیر مثبت و معنی‌داری به میزان ۶۰٪ داشته است. ابعاد کارآفرینی در دانش‌آموزان گروه آزمایشی نیز به ترتیب تمایل به استقلال ۵۲٪، تمایل به موفقیت ۹۱٪، خلاقیت ۶۲٪، ریسک‌پذیری ۸۹٪ و عزم و اراده به میزان ۹۲٪ افزایش یافت.

کومار و همکاران^۱ (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان گرایش و اهداف کارآفرینی دانشجویان بیان کردند ابعاد جهت‌گیری کارآفرینانه بر قصد کارآفرینی مؤثر است. مردان پشتکار بیشتری نسبت به جهت‌گیری کارآفرینی فردی و اهداف کارآفرینی نشان می‌دهند و جنسیت، سوابق تحصیلی و منطقه بر قصد کارآفرینی دانشجویان مؤثر است.

کرکلی^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان ترویج رفتار کارآفرینی: آموزش کارآفرینی در مدارس متوسطه دوره دوم در نیوزیلند به این نتیجه دست یافت که معلمان در آموزش کارآفرینی به دانش‌آموزان، فواید زیادی از جمله کاهش مستقیم در فشار کار ناشی از تدریس، افزایش مشارکت دانش‌آموزان در آموزش و یادگیری و بهبود معنی‌دار در عملکرد تحصیلی آنان در مقایسه با اهداف تعیین شده برنامه درسی را گزارش نمودند. دانش‌آموزان نیز انعطاف‌پذیری چشمگیری را در روند آموزش معلمان شاهد بودند. این در حالی است که والدین‌شان اذعان نمودند که این طرح باعث ایجاد تغییرات در نگرش و درگیری بیشتر دانش‌آموزان در فعالیت‌ها و پروژه‌های درسی می‌گردد.

لکاپ^۳ (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان تمایل دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه به کارآفرینی: مطالعه موردی دانش‌آموزان رشته‌های حسابداری، بازاریابی و مدیریت در فیلیپین نشان داد که تفاوت معنی‌داری در تمایل دانش‌آموزان به کارآفرینی وجود ندارد. چنین استنباط شد که آموزش کارآفرینی می‌تواند باعث پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در فیلیپین و تمایل بیشتر آنان به کارآفرینی گردد.

ضیاء و وقارموسوی (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر آموزش‌های رسمی کارآفرینی بر شکل‌گیری قصد کارآفرینانه به بررسی تأثیر آموزش رسمی کارآفرینی بر شکل‌گیری قصد کارآفرینانه در فراگیران با تأکید بر نقش میانجی‌گری کسب مهارت‌های کارآفرینی پرداختند. این پژوهش بر مبنای هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل مربیان و فراگیران آموزش‌های رسمی کارآفرینی در آموزشگاه‌های آزاد فنی حرفه‌ای خراسان شمالی به تعداد ۴۶۵ نفر می‌باشد که از میان آنان با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی تعداد ۲۱۰ نفر انتخاب گردیدند. جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه‌های استاندارد صورت پذیرفت و برای تحلیل داده‌ها از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ارتقای مهارت‌های کارآفرینی در فرایند آموزش رسمی کارآفرینی بر ایجاد قصد

1- Kumar et al

2- Kirkley

3- Lacap

کارآفرینانه در فراگیران تأثیر مثبت دارد. همچنین دو عامل ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه و انگیزه کارآفرینانه رابطه بین کسب مهارت‌های کارآفرینی و ایجاد قصد کارآفرینانه را تعدیل نموده و به نحو چشم‌گیری بر اثربخشی آموزش‌های رسمی کارآفرینی تأثیرگذار است.

کوبرود و تورهیگن^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان الگوهای هدایت‌کننده در آموزش کارآفرینی دانش‌آموزان در اسپانیا به این نتایج دست یافتند که آموزش کارآفرینی مستلزم وجود الگوهای هدایت‌کننده در مسیر زندگی نوجوانان است. در این راستا، معلمان می‌توانند دانش‌آموزان را به نوآوری و خلاقیت سوق دهند و الگوهایی از رفتارها و مهارت‌های کسب‌وکار را در کنار سایر فعالیت‌های آموزشی به آن‌ها آموزش دهند.

بر اساس پیشینه تحقیقات انجام شده بیشتر پژوهش‌ها به صورت بررسی تأثیر، جهت‌گیری و رفتار کارآفرینی بر روی دانش‌آموزان و یا الگوسازی بوده است و احصاء دقیق مؤلفه‌ها و مقوله‌های در ارتباط با آموزش کارآفرینی به دانش‌آموزان می‌تواند به عنوان یک شکاف نظری و تحقیقاتی مطرح گردد؛ لذا پر کردن این شکاف نظری ضروری به نظر می‌رسد.

هدف اصلی تحقیق شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار در آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان دوره دوم دبیرستان می‌باشد و سؤالات قابل طرح تحقیق عبارت‌اند از:

سؤال اول: مؤلفه‌های مؤثر در آموزش کارآفرینی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه چیست؟

سؤال دوم: الگوی آموزش کارآفرینی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه چگونه است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر، با توجه به راهبرد اجرایی آن رویکرد اکتشافی (کیفی) داشته و با استفاده از یکی از راهبردهای اجرای پژوهش کیفی یعنی روش گراند تئوری اجرا شده است. گراند تئوری ترجمه‌های مختلفی دارد، از جمله نظریه زمینه‌ای، نظریه بنیادی، نظریه پردازی داده بنیاد، نظریه مبتنی بر داده‌ها و نظریه برخاسته از داده‌ها. استراوس (۱۹۸۷) استراوس و کوربین^۲ (۱۹۹۸ و ۱۹۹۰) به معرفی رویه‌های تولید استقرایی نظریه در روش کیفی با اتکا به بررسی دقیق و منظم داده‌ها پرداختند. روش داده بنیاد روش استقرایی برای نظریه‌پردازی و نظریه‌گستری است که نظریه تدریجاً تدوین شده برخاسته از داده‌هایی است که به شکل نظام‌مند و هم‌زمان گردآوری و تحلیل می‌شوند (استراوس و کوربین، ۲۰۱۷). گردآوری داده‌های مورد استفاده مصاحبه از نوع نیمه ساختار یافته بوده و روند کار به گونه‌ای بود که بعد از مطالعه و بررسی‌های فراوان و بهره‌مندی از نظر استادان، مشاوران و افراد خبره و آگاه، سؤال‌های مصاحبه نهایی و مصاحبه‌ها آغاز گردید و تا حد اشباع داده‌ها ادامه یافت.

1- Kubberod and Thore Hagen

2 - Strauss and Corbin

مصاحبه‌ها ضبط و تایپ شده و با استفاده از نرم‌افزار Nvivo مرتب‌سازی فهرست کدها و یادداشت‌های تحلیلی انجام گرفت. به منظور استخراج کدهای اولیه متون به‌دست آمده از مصاحبه و مشاهدات چندین بار کلمه به کلمه خوانده شد تا درک کلی از داده‌ها به‌دست آید و کلمات و عباراتی که نشان‌دهنده افکار و یا مفاهیم کلیدی بودند، مشخص شوند. در تحقیق حاضر، از روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی یا گزینشی برای تحلیل مصاحبه‌ها استفاده شده است. در این راستا، نخست در کدگذاری باز، شواهد گفتاری، مفاهیم اولیه و مقوله‌ها استخراج گردیدند که این مقوله‌ها در قالب شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، استراتژی و پیامدها در مراحل بعدی کدگذاری در پژوهش، به‌عنوان یافته مبنایی معرفی و مورد توجه قرار گرفتند. بعداً به کدگذاری محوری و ارتباط بین مقوله‌ها اقدام شد در مرحله سوم به کدگذاری گزینشی و تفسیر روابط بین طبقات پرداخته شد. به منظور تأمین اعتبار مطالعه یافته‌های به‌دست آمده توسط ۵ نفر از شرکت‌کنندگان و بازبینی آن‌ها با هدف انطباق یافته‌های به‌دست آمده با تجارب شرکت‌کنندگان در مصاحبه و مرور توسط متخصصان و خبرگان کارآفرینی غیر شرکت‌کننده انجام گردید.

مشارکت‌کنندگان در تحقیق

مشارکت‌کنندگان تحقیق حاضر شامل خبرگان، متخصصان و استادان و صاحب‌نظران اجرایی و دست‌اندرکاران حوزه آموزش کارآفرینی است. این افراد دارای سوابق اجرایی و تجربی در حوزه آموزش کارآفرینی در بخش آموزش، یادگیری و یا کسب‌وکارهای مرتبط با کارآفرینی در نظام آموزشی بودند. برای انتخاب نمونه پژوهش از روش نمونه‌گیری با رویکرد هدفمند و روش نمونه‌گیری نظریه‌ای استفاده گردید. حجم نمونه در حین فرایند تحقیق مشخص گردید، زیرا در پژوهش‌های کیفی اشباع شدن اطلاعات مهم‌تر از تعداد افراد مورد مطالعه می‌باشد، بدین معنی که محقق جمع‌آوری اطلاعات را باید تا زمانی ادامه دهد که اطلاعاتی که از شرکت‌کنندگان جمع‌آوری می‌کند، تکراری شده و اطلاعات جدیدی به اطلاعات گردآوری شده قبلی اضافه نشود، به عبارت دیگر داده‌های گردآوری شده به اشباع نظری برسند.

معیار انتخاب افراد نمونه کسانی بودند که بتوانند در ارتباط با اهداف پژوهش حاضر اظهارنظر دقیق و کارشناسانه داشته باشند و از چنین تجربه‌ای برخوردار باشند. در این بخش افراد انتخاب شده اکثراً افراد متخصص و صاحب‌نظر در آموزش کارآفرینی و به‌خصوص استادان دانشگاهی (افراد) که در زمینه آموزش کارآفرینی در آموزش و پرورش و به‌خصوص در مورد آموزش و کارآفرینی دانش‌آموزان دارای سوابق علمی، پژوهشی و یا اجرایی هستند، مدیران و معاونان آموزش و پرورش از رده‌های بالا، میانی و پایین‌دست (شامل مدیران کل، کارشناسان حوزه کارآفرینی و مدیران مدارس دوره دوم متوسطه و سرگروه‌های درس کارآفرینی مدارس و هنرستان‌ها)،

کارشناسان کارآفرینی سایر دستگاه‌های اجرایی و افراد کارآفرین در عرصه‌های اقتصادی، آموزش و فرهنگی، و پژوهشگران عرصه تعلیم و تربیت در پژوهشکده‌های سازمان آموزش و پرورش بودند.

جدول ۱- تعداد و جنسیت گروه نمونه، روش و مدت زمان مصاحبه کیفی

مدت زمان مصاحبه	روش مصاحبه	تعداد	حرفه
۴ جلسه نیم ساعته	حضور	مرد*۳ زن*۱	استاد دانشگاه (دکترای تخصصی مدیریت و کارآفرینی)
۲ جلسه یک ساعته	حضور	مرد*۱	کارمند (دانشجوی دکتری مدیریت کارآفرینی) پارک علم و فناوری
۲ جلسه نیم ساعته	حضور	مرد*۱	مدرس کارآفرینی (فوق لیسانس کارآفرینی) پژوهشکده تعلیم و تربیت
۴ جلسه نیم ساعته	حضور	مرد*۲ زن*۱	مدیر مدرسه (فوق لیسانس مدیریت آموزشی)
۲ جلسه نیم ساعته	تلفنی	مرد*۱	مشاور کسب و کار و (فوق لیسانس کارآفرینی) کارآفرین
۲ جلسه نیم ساعته	تلفنی	زن*۱	مدیر شرکت (فوق لیسانس کارآفرینی) پژوهشگر و ایده‌پرداز
۲ جلسه نیم ساعته	تلفنی	مرد*۱	مدیر پارک علم و فناوری (فوق لیسانس کارآفرینی)
۲ جلسه نیم ساعته	حضور	زن*۱	دبیر (دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی) سرگروه درس کارآفرینی
		۱۳	جمع کل

تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها ابتدا فرایند کدگذاری داده‌ها صورت گرفته است. پس از آن با بررسی نتایج به دست آمده از کدها و مقایسه آن با ادبیات پژوهش، صحت کدگذاری‌ها تأیید یا تصحیح گردیده است. در فرایند کدگذاری سه مرحله قابل تفکیک است: اولین مرحله، یافتن مقوله‌های مفهومی در سطح اولیه‌ای از انتزاع بوده است. دومین مرحله مربوط به یافتن ارتباط بین این مقوله‌هاست و نهایتاً در مرحله سوم، مفهوم‌سازی و گزارش ارتباطات در سطح بالاتری از انتزاع است. با توجه به موارد مذکور، کدگذاری سه‌گانه شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی به عنوان عناصر اصلی کدگذاری معرفی می‌گردد. در کدگذاری باز خرد کردن، مقایسه، نام‌گذاری، مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی داده‌ها انجام گرفت. در این فرایند ابتدا داده‌ها به بخش‌های مجزا خرد شد. این کار به صورت بررسی تک‌تک جملات مصاحبه‌شوندگان در نرم‌افزار Nvivo انجام گردید. سپس مشابهت‌ها و تفاوت‌های داده‌های خرد شده مورد بررسی قرار گرفت. داده‌های مشابهی که بار معنایی یکسانی داشتند تحت کدهای مشترکی کدگذاری گردیده و آنگاه مفاهیم متناسب با آن، به هر یک تخصیص داده شد. با انجام این موارد فرایند مقوله‌پردازی انجام پذیرفت. به گونه‌ای خلاصه می‌توان گفت کدگذاری باز مجموعه‌ای از مقوله‌هاست که پس از بررسی داده‌ها خلق شده است. در مرحله دوم کدگذاری، کدگذاری محوری انجام گردید. در این مرحله مقوله‌های اصلی که از کدگذاری باز ایجاد شده‌اند، با یکدیگر مرتبط می‌شوند. در کدگذاری باز داده‌ها را از هم جدا کردیم و به منظور نمایش داده‌های و مقوله‌های نظری آن‌ها را گسترش دادیم. در مرحله کدگذاری محوری

بین مقوله‌های اساسی که در کدگذاری باز گسترش یافتند، ارتباط درونی برقرار گردید. در مرحله نهایی کدگذاری؛ یعنی کدگذاری انتخابی، مقوله هسته‌ای پژوهش ارائه شده است.

یافته‌ها

برای اینکه مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی در دوره دوم متوسطه شناسایی شود، عواملی که به منظور ایجاد یک برنامه آموزش مناسب کارآفرینی وجود دارند، شناسایی شد. سپس داده‌های به‌دست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و پس از آن با استفاده از دیدگاه تجمیعی خبرگان مقوله‌ها بازآرایی شدند و در نهایت عناصر و ویژگی‌های مرتبط با مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی احصاء گردید. جزئیات به‌دست آمده از مصاحبه‌های تخصصی برای این مورد در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- مفاهیم (کدهای اولیه) آموزش کارآفرینی دانش‌آموزان

شماره مشارکت‌کنندگان	مصادیق و شواهد گفتاری	کدهای اولیه (مفاهیم)
۱	علاقه و استعداد دانش‌آموزان به موضوعات مختلف علمی و عملی در ایجاد خلاقیت و کارآفرینی آنها نقش مهمی دارد. دانش‌آموزان در چند زمینه متفاوت، استعدادها و علایق خاصی دارند. استعداد و علاقه را با هم به‌کار برده می‌شود چون علاقه اصیل به یک فعالیت یا موضوع، معمولاً نشانه وجود استعدادی در آن زمینه است.	در نظر گرفتن علاقه و استعداد دانش‌آموزان
۱	آموزش مهارتی نقش مهمی را در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروی کار ماهر مورد نیاز بازار کار مختلف ایفا می‌کند. در نظام آموزشی، نحوه آموزش مهارت‌ها به گونه‌ای پیش برود که دانش‌آموزان با فراگرفتن حرفه و مهارت از مدرسه فارغ‌التحصیل شوند نه صرفاً با گرفتن مدرک؛ کشورمان باید سرمایه‌گذاری و ایده‌های زیادی را برای پیاده‌کردن مهارت‌آموزی در مدارس خود صرف کند تا آنجا که بتواند مهارت‌های شغلی را با تغییر و تحول در نظام آموزشی خود ترویج دهند.	اهتمام بیشتر به مهارت‌ورزی و افزایش مهارت‌های دانش‌آموزان
۹	امروزه بسیاری از متفکران و متخصصان تعلیم و تربیت که نگاهی تازه در زمینه اصلاحات آموزشی دارند، بر این باورند که برنامه‌ریزی برای تحول، نوسازی و بهتر شدن شرایط آموزش در واقع تجدیدنظر اساسی در عملکرد گذشته و کنونی نظام آموزش و پرورش محسوب می‌شود زیرا در این صورت می‌توان با نگاهی نو و جامع عواملی را که سبب رکود فعالیت‌های فرهنگی و علمی شده و مشکل‌های کنونی نظام آموزش و پرورش را به دنبال داشته است، شناسایی کرد.	اصلاح نظام آموزشی و سیستم‌های آن در نظام آموزش و پرورش
۲	اگر مؤسسات تولیدی، خدماتی دولتی و خصوصی در استخدام نیروی انسانی برای فارغ‌التحصیلان رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش تسهیلاتی ایجاد کند و امکان ادامه تحصیل برای این قبیل دانش‌آموزان در سطوح دانشگاهی فراهم گردد، نگرش منفی خانواده‌ها در مورد این شاخه‌های	تغییر نگرش خانواده‌ها به آموزش‌ها و تحصیلات فنی و حرفه‌ای و مهارتی

	تحصیلی به نگرش مثبت تغییر خواهد یافت. این امر مستلزم بررسی وضعیت اشتغال و استخدام فارغ‌التحصیلان شاخه کاردانش و فنی و حرفه‌ای از سوی مسئولان ذیربط می‌باشد.	
مدیریت صحیح منابع انسانی و مالی در جهت رشد آموزش کارآفرینی	یکی از جنبه‌های مهمی که از دیدگاه منابع انسانی بسیار مورد مطالعه قرار گرفته، نوآوری و کارآفرینی است. از میان همه فعالیت‌ها، مدیریت منابع انسانی، تأثیر پرداخت حقوق مناسب و جبران خدمات بر عملکرد نوآوری و کارآفرینی، بیشترین توجه را به خود جلب کرده است.	۴
درگیر نمودن مراکز تولیدی، صنعتی، فنی با آموزش‌های کارآفرینی دانش‌آموزان	آموزش‌های تئوری کارآفرینی رو می‌توان در مدارس و با استفاده از مواد آموزشی عرضه نمود و مراکز تولیدی، صنعتی، و فنی نیز می‌تواند به‌عنوان کارگاه‌های عملی آموزش‌های کارآفرینی دانش‌آموزان مد نظر قرار داد.	۳
تدوین طرح جامع آموزشی کارآفرینی در نظام مدیریت آموزش دانش‌آموزان	لازمه تحقق و توسعه کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش، تأکید بیشتر بر سطوح عالی مدیریت آموزشی است. این امر نه تنها به سبب خلاء فرهنگی و ساختاری است، بلکه با توجه به نقش اساسی و الگودهی مدیریت کلان نسبت به سایر سطوح پایین‌تر مدیریت، ضروری و حیاتی است.	۱۱
عمومیت بخشیدن به آموزش‌های کارآفرینی در سطوح مختلف آموزشی دانش‌آموزان	آموزش کارآفرینی از نظر تمام زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی به نفع کلیه دانش‌آموزان است؛ زیرا به کودکان و نوجوانان یاد می‌دهد آزادانه فکر کنند و مهارت‌ها و استعدادها را غیرمتعارف خود را پرورش دهند. اعتمادبه‌نفس را به دانش‌آموزان در تمام مقاطع تحصیلی القا می‌کند.	۷
جلب و جذب اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کشور با هسته کارآفرینی نظام آ- پ و مدارس	وجود هیئت علمی کارآفرین در دانشگاه‌ها باعث تربیت دانش‌آموختگان کارآفرین می‌گردد. اگر این فارغ‌التحصیلان کارآفرین جذب آموزش و پرورش شوند، نسل‌های نوآور، کارآفرین و خلاق را به جامعه تحویل خواهند داد.	۴
استفاده از معلمان دارای روحیه نوآور و کارآفرین در آموزش‌های دانش‌آموزان	دانشگاه فرهنگیان در حال حاضر تنها مرکز آموزش و تربیت معلم محسوب می‌گردد. این مرکز باید بتواند با استفاده از استادان نوآور و کارآفرین، آزمون‌های تشخیصی علمی و عملی و سنجش میزان توانایی کارآفرینی، معلمان کارآفرین و خلاق را تربیت نموده و به نظام آموزش و پرورش وارد نماید.	۷
مرتبط نمودن اشتغال دانش‌آموزان در آینده با آموزش کارآفرینی و مهارت‌های آن‌ها در دبیرستان	نظام آموزش و پرورش باید در رشته‌های مهارتی به دنبال تقویت مهارت‌های پایه یا رویکرد کارآفرینی و اشتغال در بین دانش‌آموزان باشد. طرح ملی ایران مهارت برای دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوره اول با هدف آموزش مهارت‌های کسب‌وکار و آشنایی با رشته‌های فنی و حرفه‌ای است.	۱۳
تقویت روحیه خودباوری دانش‌آموزان در جهت آموزش بهتر کارآفرینی	خودباوری به معنی نادیده گرفتن کمبودها نیست، بلکه به معنی دیدن استعدادها و توانایی خودتان می‌باشد. بخش مهمی از خودباوری حاصل دانستن نقاط ضعف است به طوری که به فرد در رسیدن به چیزی که می‌خواهد به آن برسد به او کمک می‌کند. معلمان باید به دانش‌آموزان کمک کنند تا آنچه که اکنون در اختیار دارند را ببینند و با آنچه که اکنون در اختیار دارند، راه‌حلی برای برطرف نمودن نقاط ضعفشان بیابند و در مسیر رسیدن به خواسته‌هایشان استفاده کنند.	۵

شناخت استعدادها منحصربه‌فرد دانش‌آموزان	هر دانش‌آموزی استعدادهایی دارد و باید از وجود آن‌ها احساس غرور کند و اجازه دهد همگان استعدادهايش را بشناسد، و باور داشته باشد کاری را که به خوبی انجام می‌دهد، استعداد به حساب می‌آید. هر انسانی دارای استعداد است فقط باید باور داشته باشد در کاری که انجام می‌دهد بهترین است، فقط روش انجام کارش متمایز از دیگران و منحصر به خود او است.	۱
رشد تدریجی آموزش‌های کارآفرینی	آموزش‌های کارآفرینی در مدارس به تناسب پیشرفت علمی و فناوری در دنیا باید پیش برود. روش‌های تدریس و امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جهت بروز ایده‌های، نوآوری و کارآفرینی در دانش‌آموزان به کار گرفته شود و این جریان کاملاً پویا است.	۷
آموزش کارآفرینی در سه سطح: خانواده، مدارس و دانشگاه‌ها	بنیان روحیه کارآفرینی از خانواده و در همان اوایل کودکی با بازی‌های ساده و نقش‌بازی‌ها صورت می‌گیرد و به تدریج به بازی‌های خلاق و پیچیده تبدیل می‌شود. سپس همین توانایی‌ها در مدارس توسط معلمان کارآفرین شناسایی و شکوفا می‌گردد. در نهایت دانش‌آموزان کارآفرین با داشتن توانایی و استعداد نوآوری و کارآفرینی در رشته‌های مختلف در دانشگاه‌ها به ادامه تحصیل می‌پردازند و این روند تحت آموزش استادان دانشگاهی کارآفرین تداوم می‌یابد.	۲
بومی کردن آموزش‌های کارآفرینی	آموزش‌های کارآفرینی در مدارس باید متناسب با نیازهای بومی و منطقه‌ای صورت پذیرد و این امر به شناسایی تعداد بیشتر دانش‌آموزان کارآفرین و پوشش دادن آن‌ها تحت تعلیمات مختلف از نظر تئوری و کاربردی کمک شایانی می‌کند.	۶
سیاست‌گذاری‌های کارآفرینی که منجر به آموزش بهتر کارآفرینی شود	آموزش‌های کارآفرینی مستلزم داشتن سرمایه، فناوری، تسهیلات لازم برای تولیدات کالاهای صنعتی و خدماتی است؛ زیرا شرایط محیطی مانند عوامل فرهنگی، اجتماعی، قانونی، سیاسی و فناوری بر بهبود آموزش‌های کارآفرینی تأثیر می‌گذارند. ایجاد محیط مناسب باعث بهره‌گیری از فرصت‌های کارآفرینی می‌گردد و در نتیجه در سیاست‌گذاری‌ها برای ارتقای سطح آموزش‌های کارآفرینی در مدارس باید موارد یاد شده را مدنظر قرار داد.	۹
استفاده از تمامی ظرفیت‌های دانش‌آموزان و مدارس برای آموزش‌های کارآفرینی	در آموزش‌های کارآفرینی باید از همه توانایی‌ها و استعدادها بالقوه و بالفعل دانش‌آموزان و تمام امکانات محیطی و فیزیکی بهره گرفت.	۱
آموزش‌های صحیح و اصولی و مفاهیم و الگوهای آموزش کارآفرینی	مفاهیم و الگوهای آموزش کارآفرینی باید به خوبی شناسایی و تعیین گردند تا اینکه معلمان بتوانند به راحتی دانش‌آموزان کارآفرین در چارچوب‌های تعیین شده را شناسایی و پرورش دهند.	۸
فراهم نمودن فضا و محیط مناسب برای آموزش کارآفرینی	مهم‌ترین مسئله در آموزش‌های کارآفرینی پرداختن به فضا و محیط‌های مناسب برای کار در مدارس بر روی دانش‌آموزان کارآفرین است. همین امر باعث ایجاد انگیزه کافی برای تشویق دانش‌آموزان به طرح ایده‌های نو و کارآفرینی می‌شود.	۷
ارائه آموزش‌های کارآفرینی به گروه‌های هدف دانش‌آموزی	آموزش‌های کارآفرینی در مرحله اول بر روی دانش‌آموزانی صورت می‌گیرد که به عنوان کارآفرین و نوآور شناسایی می‌شوند.	۱۲

هماهنگ بودن تمامی بخش‌های دست‌اندرکار با آموزش کارآفرینی در قالب قوانین و مقررات یک دست	در سند تحول بنیادین و در بخش نظام آموزش باید برای آموزش کارآفرینی قوانین و مقررات معینی طرح شود و تمام بخش‌های تولیدی و صنعتی را ملزم سازد تا در اجرای قوانین آموزش کارآفرینی با نظام آموزشی همکاری نمایند.	۱۱
رونق بخشی به آموزش‌های کارآفرینی غیررسمی در قالب توسعه برنامه‌های صداوسیما و ...	علاوه بر آموزش‌های کارآفرینی رسمی، بخش‌های غیررسمی مانند صداوسیما نیز می‌تواند به گسترش آموزش‌های کارآفرینی در بین آحاد جامعه و رونق بخشی به آن کمک کند.	۸
قطبی و بخشی نمودن آموزش‌های کارآفرینی باتوجه به تنوع آب و هوایی و اقلیم و ...	آموزش‌های کارآفرینی در مدارس را می‌توان بر اساس شرایط اقلیمی و جغرافیایی و پتانسیل‌های منطقه‌ای طبقه‌بندی نمود تا اینکه کارآفرینان هر منطقه با توجه به نیازهای آن منطقه، تحت آموزش‌های کارآفرینی قرار گیرند.	۶
حمایت‌های دولتی از آموزش‌های کارآفرینی و ارائه تسهیلات لازم برای دانش‌آموزان و خانواده‌ها	یکی از اصول مهم در ارتقای سطح کیفی آموزش‌های کارآفرینی، برخورداری حمایت‌های دولتی و ارائه تسهیلات لازم برای دانش‌آموزان و خانواده‌ها می‌باشد.	۹
توانمندسازی اقتصادی دانش‌آموزان با آموزش‌های کارآفرینی	زمانی که کارآفرینان یک شغل جدید را شروع می‌کنند بالطبع حداقل به یک یا چند نیروی استخدامی نیاز دارند تا کارهای خود را سامان بخشند. دانش‌آموزان کارآفرین به علت قابلیت اشتغال‌زایی که دارند، به کاهش نرخ بیکاری که از اهداف کلان اقتصادی، اجتماعی، دولت‌ها است کمک می‌کنند. بنابراین، کارآفرینی می‌تواند زمینه‌ساز اشتغال نیروی کار باشد و نوآوری که در یک فعالیت اقتصادی توسط خود دانش‌آموز ایجاد می‌شود منجر به ایجاد اشتغال در جامعه می‌شود.	۱۳
ارائه و جایگزینی الگوهای موفق کشورهای استفاده‌کننده از آموزش‌های کارآفرینی	برای بهبود سطح کیفی آموزش‌های کارآفرینی در نظام آموزشی می‌توان از الگوهای موفق آموزش کارآفرینی سایر کشورها بهره گرفت که به نوبه خود در این راستا تأثیرگذار است.	۱۰
تقویت خودشناسی و شناخت محیط	خودشناسی، توانایی توجه لحظه‌به‌لحظه به عواطف و افکار، کلید درک بهتر خودمان، پذیرفتن خود به عنوان یک فرد و مدیریت کنشگرایانه افکار، احساسات و رفتارها و شناخت محیط بهتر برای نوآوری به شمار می‌رود. دانش‌آموزان خودشناس، آگاهانه عمل می‌کنند تا اینکه واکنش آن‌ها به صورت منفعل درآید، در نتیجه سلامت روانی خوبی ایجاد شده و دیدگاه آن‌ها نسبت به زندگی مثبت خواهد شد. آن‌ها همچنین زندگی را با عمق بیشتری بر اساس شناخت محیط تجربه می‌کنند. خودشناسی یک ویژگی مهم رهبران موفق کسب‌وکار است.	۷ و ۱
تلقی نمودن آموزش کارآفرینی به‌عنوان یک هدف غایی	آموزش کارآفرینی در نظام آموزشی باید در سطوح بالایی اهداف آموزشی قرار گیرد که همواره از توجه کلیه سازمان‌های فنی و حرفه‌ای، مراکز تولیدی و صنعتی و نیز در مرکز توجه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت برخوردار گردد.	۸

تأکید بر تولید و عملی نمودن ایده‌های مورد پذیرش دانش‌آموزان توسط مراکز تولیدی	مراکز تولیدی و صنعتی می‌توانند دانش‌آموزان کارآفرین را ترغیب نمایند تا ایده‌های نو خود را به پروژه‌ها و طرح‌های کاربردی نو تبدیل نموده و در جایگاه‌های مورد نیاز به مرحله بهره‌برداری برسانند.	۳
توجه به تفاوت‌های فردی در جریان آموزش‌های کارآفرینی	در آموزش‌های کارآفرینی به تمام ابعاد رشدی دانش‌آموزان (جسمی، ذهنی، روانی، عاطفی، اخلاقی، و اجتماعی) توجه داده شود تا دانش‌آموزان کارآفرین در همه ابعاد رشد به فعلیت برسند؛ چون دانش‌آموزان با توجه به تفاوت‌های فردی تحت آموزش‌های کارآفرینی قرار می‌گیرند.	۱
مشخص نمودن اولویت‌های آموزش کارآفرین	توجه به اولویت‌های آموزش کارآفرین نقطه عطفی در بهبود کیفیت آن خواهد بود. مسئولان ذیربط باید به این مهم مبادرت ورزند و بر اساس اولویت محتوا و مطالب آموزشی کارآفرینی به پرورش دانش‌آموز کارآفرین بپردازند.	۱۱

با بررسی کدهای استخراجی ناشی از مصاحبه با متخصصان در حوزه مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی، در مجموع بیست و هفت مفهوم اولیه شناسایی شد که شامل در نظر گرفتن علاقه و استعداد دانش‌آموزان، اهتمام بیشتر به مهارت‌ورزی و افزایش مهارت‌های دانش‌آموزان، اصلاح نظام آموزشی و سیستم‌های آن در نظام آموزش و پرورش، تغییر نگرش خانواده‌ها به آموزش‌ها و تحصیلات فنی حرفه‌ای و مهارتی، مدیریت صحیح منابع انسانی و مالی در جهت رشد آموزش کارآفرینی، درگیر نمودن مراکز تولیدی، صنعتی، فنی با آموزش‌های کارآفرینی دانش‌آموزان، تدوین طرح جامع آموزشی کارآفرینی در نظام مدیریت آموزش دانش‌آموزان، عمومیت بخشیدن به آموزش‌های کارآفرینی در سطوح مختلف آموزشی دانش‌آموزان، جلب و جذب اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کشور با هسته کارآفرینی نظام آپ و مدارس، استفاده از معلمان دارای روحیه نوآور و کارآفرین در آموزش‌های دانش‌آموزان، مرتبط نمودن اشتغال دانش‌آموزان در آینده با آموزش کارآفرینی و مهارت‌های آن‌ها در دبیرستان، تقویت روحیه خودباوری دانش‌آموزان در جهت آموزش بهتر کارآفرینی، شناخت استعدادهای منحصر به فرد دانش‌آموزان، رشد تدریجی آموزش‌های کارآفرینی، آموزش کارآفرینی در سه سطح: خانواده، مدارس و دانشگاه‌ها، بومی کردن آموزش‌های کارآفرینی، سیاست‌گذاری‌های کارآفرینی برای آموزش بهتر کارآفرینی، استفاده از تمامی ظرفیت‌های دانش‌آموزان و مدارس برای آموزش‌های کارآفرینی، آموزش‌های صحیح و اصولی و مفاهیم و الگوهای آموزش کارآفرینی، فراهم نمودن فضا و محیط مناسب برای آموزش کارآفرینی، ارائه آموزش‌های کارآفرینی به گروه‌های هدف دانش‌آموزی، هماهنگ بودن تمامی بخش‌های دست‌اندرکار با آموزش کارآفرینی در قالب قوانین و مقررات یک‌دست، رونق بخشی به آموزش‌های کارآفرینی غیررسمی در قالب توسعه برنامه‌های صداوسیما و ...، قطبی و بخشی نمودن آموزش‌های کارآفرینی با توجه به تنوع آب و هوایی و اقلیم و ...، حمایت‌های دولتی از آموزش‌های کارآفرینی و

ارائه تسهیلات لازم برای دانش‌آموزان و خانواده‌ها، توانمندسازی اقتصادی دانش‌آموزان با آموزش‌های کارآفرینی، ارائه و جایگزینی الگوهای موفق کشورهای استفاده‌کننده از آموزش‌های کارآفرینی، تقویت خودشناسی و شناخت محیط، تلقی نمودن آموزش کارآفرینی به‌عنوان یک هدف غایی، تأکید بر تولید و عملی نمودن ایده‌های مورد پذیرش دانش‌آموزان توسط مراکز تولیدی، توجه به تفاوت‌های فردی در جریان آموزش‌های کارآفرینی و مشخص نمودن اولویت‌های آموزش کارآفرین بوده که در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳- مقوله‌های محوری (کدهای محوری) آموزش کارآفرینی آموزش دانش‌آموزان

مقوله محوری	کدها (مفاهیم)	شماره عناصر گفتاری ثبت شده در فرایند مصاحبه
در نظر گرفتن علاقه و استعداد دانش‌آموزان	علاقه به یادگیری و مهارت‌ها	۱
	اهتمام بیشتر به مهارت‌ورزی و افزایش مهارت‌های دانش‌آموزان	
	شناخت استعدادهای منحصر به فرد دانش‌آموزان	
	استفاده از تمامی ظرفیت‌های دانش‌آموزان و مدارس برای آموزش‌های کارآفرینی	
	توجه به تفاوت‌های فردی در جریان آموزش‌های کارآفرینی	
حمایت دولتی از آموزش‌های کارآفرینی و ایجاد تسهیلات لازم و توجه به نیروی انسانی و دانشگاه فرهنگیان	اصلاح نظام آموزشی و سیستم‌های آن در نظام آموزش و پرورش	۹
	سیاست‌گذاری‌های کارآفرینی که منجر به آموزش بهتر کارآفرینی شود	
	حمایت‌های از مالکیت معنوی و ارائه تسهیلات لازم برای دانش‌آموزان و خانواده‌ها	
تغییر نگرش خانواده‌ها به آموزش‌ها و تحصیلات فنی و حرفه‌ای و مهارتی	تغییر نگرش خانواده‌ها به آموزش‌ها و تحصیلات فنی و حرفه‌ای و مهارتی	۲
	آموزش کارآفرینی در سه سطح: خانواده، مدارس و دانشگاه‌ها	
جذب و جلب هیئت علمی دانشگاه‌ها در هسته کارآفرینی نظام آ- پ	مدیریت صحیح منابع انسانی و مالی در جهت رشد آموزش کارآفرینی	۴
	جلب و جذب اعضای هیأت علمی مرتبط با هسته کارآفرینی نظام آ- پ و مدارس	
تعامل مراکز تولیدی، صنعتی و بخش خصوصی با مدارس در جهت آموزش‌های کارآفرینی	درگیر نمودن مراکز تولیدی، صنعتی، فنی با آموزش‌های رسمی دانش‌آموزان	۳
	تأکید بر تولید و عملی نمودن ایده‌های مورد پذیرش از راه‌های تشویقی و حمایتی	
تعیین شاخص‌ها و الویت‌های آموزش کارآفرینی	تدوین طرح جامع آموزشی کارآفرینی در نظام مدیریت آموزش دانش‌آموزان	۱۱
	هماهنگ بودن تمامی بخش‌های دست‌اندرکار با آموزش کارآفرینی در قالب قوانین و مقررات یک‌دست	
	مشخص نمودن اولویت‌های آموزش کارآفرین	
فراهم نمودن فضا و محیط مناسب برای آموزش‌های کارآفرینی	عمومیت بخشیدن به آموزش‌های کارآفرینی در سطوح مختلف آموزشی دانش‌آموزان	۱ و ۷
	رشد تدریجی آموزش‌های کارآفرینی	
	فراهم نمودن فضای معنوی برای آموزش کارآفرینی	

	استفاده از معلمان دارای روحیه نوآور و کارآفرین در آموزش‌های دانش‌آموزان	
	تقویت خودشناسی و شناخت محیط	
آشنا کردن دانش‌آموزان با مشکلات بازار کار شهر خود و سازمان‌های مهم کشور مثل، اداره کار، صنعت و بورس و ...	مرتبط نمودن اشتغال دانش‌آموزان در آینده با آموزش کارآفرینی و مهارت‌های آن‌ها در دبیرستان	۱۳
	توانمندسازی اقتصادی دانش‌آموزان با آموزش‌های کارآفرینی	۱۳
تقویت روحیه خودباوری و اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان در جهت آموزش بهتر کارآفرینی	تقویت روحیه خودباوری دانش‌آموزان در جهت آموزش بهتر کارآفرینی	۵
بومی کردن آموزش‌های کارآفرینی	بومی کردن آموزش‌های رسمی کارآفرینی	۶
بومی کردن آموزش‌های کارآفرینی	قطبی و بخشی نمودن آموزش‌های کارآفرینی با توجه به تنوع آب‌وهوایی و اقلیم و ...	
رونق بخشی به آموزش‌های کارآفرینی غیررسمی	آموزش‌های صحیح و اصولی و مفاهیم و الگوهای آموزش غیررسمی کارآفرینی	۸
	رونق بخشی به آموزش‌های کارآفرینی غیررسمی در قالب توسعه برنامه‌های صداوسیما و ...	
	تلقی نمودن آموزش کارآفرینی به‌عنوان یک هدف غایی	
ارائه آموزش‌های کارآفرینی به گروه‌های هدف دانش‌آموزی	ارائه آموزش‌های کارآفرینی به گروه‌های هدف دانش‌آموزی	۱۲
ارائه و جایگزینی الگوهای موفق کشورهای استفاده‌کننده از آموزش‌های کارآفرینی	ارائه و جایگزینی الگوهای موفق کشورهای استفاده‌کننده از آموزش‌های کارآفرینی	۱۰

همان‌گونه که جدول (۳) نشان می‌دهد در حوزه مقوله‌های آموزش کارآفرینی در آموزش دانش‌آموزان در مجموع سیزده مقوله (محور) اصلی با ۳۲ زیر گروه شناسایی شده‌اند که شامل در نظر گرفتن علاقه و استعداد دانش‌آموزان، تغییر نگرش خانواده‌ها در جهت تشویق و ترغیب فرزندان برای تحصیلات فنی و حرفه‌ای و مهارتی، تعامل مراکز تولیدی، صنعتی و بخش خصوصی با مدارس در جهت آموزش‌های کارآفرینی، جذب و جلب هیئت علمی دانشگاه‌ها در هسته کارآفرینی نظام آ-پ، تقویت روحیه خودباوری و اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان در جهت آموزش بهتر کارآفرینی، بومی کردن آموزش‌های کارآفرینی، فراهم نمودن فضا و محیط مناسب برای آموزش‌های کارآفرینی، رونق بخشی به آموزش‌های کارآفرینی غیررسمی، حمایت دولتی از آموزش‌های کارآفرینی و ایجاد تسهیلات لازم در این زمینه، معرفی الگوهای موفق کشورهای دیگر در زمینه آموزش کارآفرینی، تعیین شاخص‌ها و الویت‌های آموزش کارآفرینی، آشنایی دانش‌آموزان با سازمان‌های مهم کشور مثل، اداره کار، صنعت و بورس و ...، آشنا کردن دانش‌آموزان با مشکلات بازار کار شهر خود می‌باشند.

ضمناً ارتقای آموزش کارآفرینی به‌عنوان محور و مرکز اصلی پژوهش در قالب ۵ عامل تأثیرگذار نظریه داده‌بنیاد به شرح زیر تقسیم‌بندی و معرفی گردید:

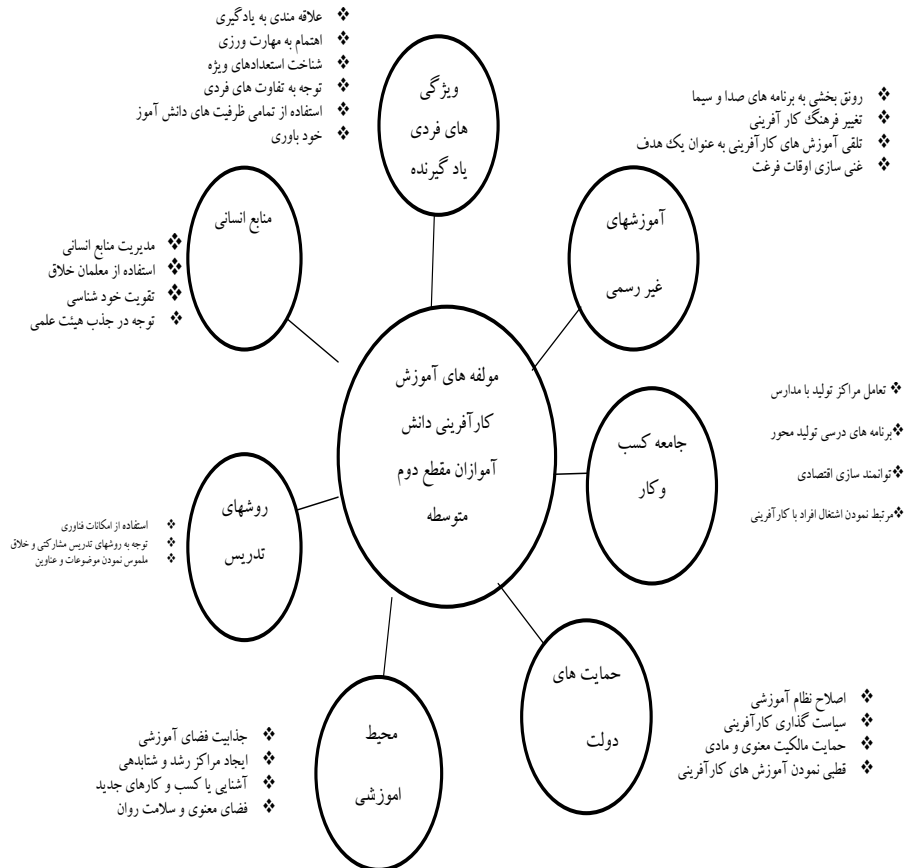
- شرایط علی (تغییر فرهنگ کارآفرینی، قطبی نمودن آموزش‌های کارآفرینی، اصلاح نظام آموزشی، سیاست‌گذاری کارآفرینی و مرتبط نمودن اشتغال افراد با کارآفرینی)
- شرایط زمینه‌ای (حمایت از مالکیت مادی و معنوی، فضای معنوی و سلامت روان، تقویت خودشناسی)

- شرایط مداخله‌گر (تعامل مرکز تولیدی با مدارس، توانمندسازی اقتصادی و رونق‌بخشی به برنامه‌های صداوسیما)

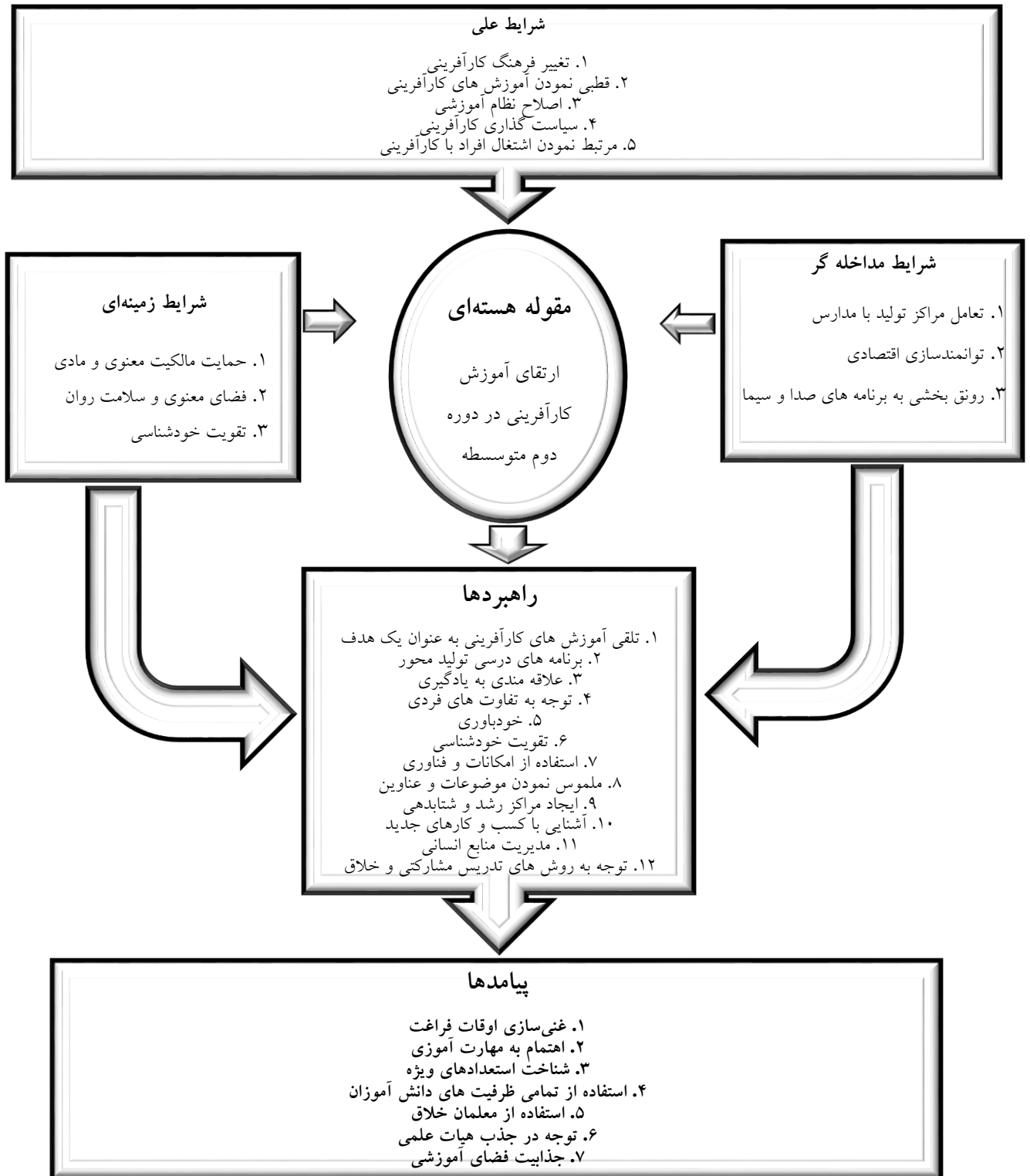
- استراتژی‌ها (تلقی آموزش‌های کارآفرینی به‌عنوان هدف، برنامه درسی تولید محور، علاقمندی به یادگیری، توجه به تفاوت‌های فردی، خودباوری و تقویت خودشناسی، استفاده از فناوری، ملموس نمودن موضوعات کارآفرینی، ایجاد مراکز رشد و شتاب‌دهی و مدیریت منابع انسانی، توجه به روش‌های تدریس مشارکتی و آشنایی با کسب‌وکارهای جدید)

- پیامدها (غنی‌سازی اوقات فراغت، اهتمام به مهارت‌آموزی، شناخت استعدادها و ویژه، استفاده از دبیران خلاق، توجه در جذب هیئت علمی و جذابیت فضای آموزشی و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های انسانی و دانش‌آموزی)

در مرحله سوم و نهایی کدگذاری انتخابی از بین کدهای باز و محوری انجام شده و در نهایت بعد از تأیید عوامل مورد نظر و کنترل مجدد آن‌ها در قالب داده وارد نرم‌افزار NVIVO شدند. سپس، با استفاده از نظرات خبرگان حاضر در نشست و با استفاده از تحلیل نرم‌افزاری، روابط بین عوامل، مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت ۷ مؤلفه اصلی با ۲۸ زیرگروه مؤثر در آموزش کارآفرینی دانش‌آموزان در قالب نمودار (۱) به صورت زیر گزینش و ارائه گردید.



نمودار ۱- مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی دوره دوم متوسطه



شکل ۱- مدل برنامه آموزش کارآفرینی در دوره دوم متوسطه

بحث و نتیجه‌گیری

از آنجایی که یکی از مؤلفه‌های مهم کارآفرینی دارا بودن مهارت است، جامعه و سازمان می‌تواند در مسیر توسعه حرکت رو به جلویی داشته باشد که با ایجاد زمینه‌های لازم منابع انسانی خود را به دانش و مهارت کارآفرینی مجهز نماید. بحث محوری در این میان آموزش کارآفرینی است که این توانمندی ارزشمند، منابع انسانی جامعه و نظام آموزش و پرورش را به سوی ایجاد ارزش و حصول رشد و توسعه رهنمون می‌سازد. این پژوهش که با هدف شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در آموزش کارآفرینی دانش‌آموزان شکل گرفت در حوزه مقوله‌ها یا عوامل اثرگذار ۷ مؤلفه اصلی و ۲۸ زیرمؤلفه را شناسایی کرد. اولین مقوله در نظر گرفتن ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان است، در نظر گرفتن علاقه و استعداد در بحث آموزش کارآفرینی توسط متولیان امر علاوه بر کسب رضایت دانش‌آموزان در مشاغل آینده می‌تواند موجب بروز خلاقیت، نوآوری و بالا بردن کارایی افراد شود. در نظر داشتن این عامل می‌تواند کمک شایانی در تربیت نیروهای متخصص و متعهد در آینده یک کشور داشته باشد. یکی از مشکلاتی که در چند دهه اخیر گریبان‌گیر کشور بوده، مدرک‌گرایی خانواده‌ها است. عدم توجه به یادگیری تخصص و آموزش‌های غیررسمی در کنار مباحث آکادمیک از مشکلات عمده فشر تحصیل کرده در کشور محسوب می‌شود، لذا تغییر نگرش خانواده‌ها در جهت تشویق و ترغیب فرزندان برای تحصیلات فنی و حرفه‌ای و آشنایی با دنیای مشاغل و کسب‌وکارها، می‌تواند یکی از عوامل مهم در رفع مشکل بیکاری نیروی کار فعال در آینده باشد. رونق کسب‌وکارها و تعامل مراکز تولیدی، صنعتی و بخش خصوصی با نظام آموزش و پرورش و مدارس یکی از راه‌های اصلی در جهت عملی نمودن کارآفرینی در جامعه است، این مقوله می‌تواند یکی از عوامل کلیدی در رفع نیازهای صنعت برای تأمین نیروی انسانی متخصص در آینده باشد. نیروی انسانی و جذب و جلب هیئت علمی دانشگاه‌ها در هسته کارآفرینی نظام آموزش و پرورش و دانشگاه فرهنگیان و جذب استادان کارآفرینی در سیستم آموزشی علاوه بر کاهش خروجی نیروی انسانی بدون تخصص از سیستم آموزشی گام مؤثری است در تقویت بنیان‌های اقتصاد مبتنی بر دانش تخصصی که توسعه آتی کشور را در پی دارد. توجه به آموزش‌های غیررسمی در آموزش کارآفرینی، یکی از گام‌های اولیه برای خودکفایی کشور در زمینه کارآفرینی از حیث فرهنگی و غنی نمودن دیدگاه‌ها و تغییر نگرش منفی موجود نسبت به آموزش کارآفرینی می‌تواند باشد.

عامل مهم دیگر فراهم نمودن فضا و محیط مناسب برای آموزش‌های کارآفرینی است، ایجاد فضا و محیط مناسب برای کارآفرینی می‌تواند منجر به کشف کارآفرینان نخبه در فضای علمی و کسب‌وکار کشور گردد که توسعه پایدار را به دنبال خواهد داشت. همچنین باعث گسترش مراکز رشد و شتابدهی شده و سرعت و کیفیت توسعه را نیز بهبود می‌بخشد. عامل مهم و مؤثر دیگر در آموزش کارآفرینی مورد روش‌های تدریس می‌باشد. روش‌های تدریس از ارکان اصلی آموزش

محسوب می‌گردد که در این میان آموزش کارآفرینی نیز از این امر مستثنی نیست. بی‌شک روش‌های تدریس فعال و مشارکتی از جمله روش تیمی یا بارش فکری نقش مهمی در جریان آموزش کارآفرینی ایفا می‌نماید. در ضمن نباید از ابزار و سخت‌افزارهای دیجیتال و فناورانه در این مورد غافل شد. مقوله اساسی دیگر حمایت دولت از آموزش‌های کارآفرینی و ایجاد تسهیلات لازم در این زمینه است، در واقع این امر سرمایه‌گذاری در اقتصاد پایدار است که اثرات آن توسعه بلندمدت در کشور را به دنبال دارد. حمایت‌های دولت یک بحث بسیار کلی و گسترده بوده که نمود اصلی آن به صورت سیاست‌گذاری و اصلاح نظام آموزشی در جامعه متبلور است.

یافته‌های پژوهش حاضر از جهاتی با پژوهش کرمی دارابخانی (۱۳۹۱)، زالی (۱۳۹۱)، نادری و همکاران (۱۳۹۴) هم‌سو بود. در تبیین سؤالات پژوهش می‌توان اذعان داشت که مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی و الگوی آموزش کارآفرینی باید دربرگیرنده توانایی مشارکت در توسعه راهبردی سازمان، توانایی نگاه به مسایل مدیریت با دیدگاه وسیع شامل ظرفیت دیدن مسائل با توجه به زمینه آن‌ها و ارتباط دادن با عوامل تأثیرگذار درونی و بیرونی، مهارت‌های بین فردی، کارگروهی، مدیریت پروژه، مذاکره، شبکه‌سازی و دیگر مهارت‌های اساسی اجتماعی، مهارت‌های یادگیری فردی به ویژه توانایی یادگیری از دیگران، کمک به دیگران و استفاده از تجارب آن‌ها، و توانایی تحلیل مدیریت انتقادی در سطح راهبردی باشد.

بر اساس نتایج پژوهش به متولیان آموزش کشور پیشنهاد می‌گردد با عنایت به تفاوت‌های فردی و استعداد‌های مختلف در تأسیس مدارس کارآفرینی و هوشمند با هدف آموزش بهتر و اصولی و نزدیکی بازار کسب‌وکار با مدارس و محیط‌های آموزشی دانش‌آموزان را کمک نمایند. همچنین به مدیران نظام آموزشی پیشنهاد می‌گردد با توجه به مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی در مدارس و به‌کارگیری نیروی انسانی مناسب و استفاده از ابزارهای فناورانه و به‌روز در آموزش، به ارتقای کارآفرینی در جامعه کمک نمایند. به مدیران و معلمان در سطح مدارس پیشنهاد می‌گردد با انتخاب روش‌های تدریس مناسب و ارائه تقویت‌های مادی و معنوی به منظور افزایش انگیزه و اعتمادبه‌نفس و بهره‌گیری از حداکثر توانایی نوآوری و کارآفرینی در دانش‌آموزان اقدام نمایند. به پژوهشگران پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی به تدوین مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی برای تمامی مقاطع تحصیلی در نظام آموزشی پردازند. همچنین به پژوهشگران پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات خویش به تدوین مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی با گرایش به آموزش‌های غیررسمی و فوق برنامه پرداخته و به بررسی آسیب‌ها و چالش‌های آموزش کارآفرینی در کشور و راه‌های برطرف نمودن آن‌ها اقدام نمایند.

منابع

- Abdolahi, M., Rahmati, S., & Parasteh, F. (2020). The effect educational entrepreneurship training of teachers on student's entrepreneurship in the secondary school. *The Journal of Modern Thoughts in Education*, 15(3), 59-77. [In Persian].
- Ebrahimi, K., & Zarei, A. (2008). Entrepreneurship skills training. *Economic, Cultural, Social, Labor and Society Monthly*, 5(100), 25-20. [In Persian].
- Farang, M., Yarmohammadzadeh, P., & Ghasemzadeh, A. (2018). Investigating the mediating role of innovation climate in the relationship between culture and entrepreneurship skills with entrepreneurial tendency of University of Mohaghegh Ardabili faculty members. *IRPHE*, 24(1), 51-69. [In Persian].
- Ganjali, Z., & Bagherimajd, R. (2021). The effect of individual entrepreneurship orientation on entrepreneurial behavior with the mediating role of entrepreneurial intention in post-graduate engineering students. *Journal of Entrepreneurship Development*, 13(4), 521-540. [In Persian].
- Ghajari, N., Mazidi, M., & Shamshiri, B. (2020). Understanding the Most Significant Challenges to Execution of the Document of Fundamental Transformation in the Education System of Iran; a Focus on Its Main Subsystems. *Journal of Curriculum Research*, 10(1), 1-33. [In Persian].
- Henry, C., Hill, F., & Leitch, C. (2005). Entrepreneurship education and training: can entrepreneurship be taught? Part 1. *Education 1 Training*, 47 (2), 98-111.
- Imani, A., Hosseinifar, A., & Mobaraki, M. (2018). The effect of social networks on the development of digital entrepreneurship in knowledge-based companies. *IT Management Studies*, 6(22), 1-22. [In Persian].
- Järvi, T. (2012). Teaching entrepreneurship in vocational education viewed from the regional and field perspectives. *Journal of Vocational Education and Training*, 64(3), 365-377.
- Kim, S. S. (2010). A comparative study of the entrepreneurial intention between Korea and China. Doctor's thesis, Graduate School of Venture Hoseo University.
- Kirkley, W. W. (2017). Cultivating entrepreneurial behavior: entrepreneurship education in secondary schools. *Asia Pacific Journal of Innovation and Entrepreneurship*, 11(1): 17-37.
- Kraus, S., Kauranen, I., & Reschke, C. H. (2011). Identification of domains for a new conceptual model of strategic entrepreneurship using the configuration approach. *Manag Res Rev*, 34(1), 58-74.
- Kucel, A., Róbert, P., Buil, M., & Masferrer, N. (2016). Entrepreneurial skills and education-job matching of higher education graduates. *European Journal of Education*, 51(1), 73-89.
- Lacap, J. P. G. (2017). Senior High School Students' Entrepreneurial Inclination: The Case of Accountancy, Business, and Management Track Students in Pampanga, Philippines. *Journal of Entrepreneurship and Business*, 5(2), 37 - 49.
- Kumar, S., Paray, Z. A., & Dwivedi, A. K. (2020). Student's entrepreneurial orientation and intentions. *Higher Education, Skills and Work-Based Learning*.
- Mehdipoor, N. (2016). Applying the Functional, National, Global, Theoretical and Construction of Curriculum's Components in Humanities Curricula from Faculty Members' Point of Views (Case: Shahid Bahonar University of Kerman). *Journal of Curriculum Research*, 5(2), 47-71. [In Persian].
- Mohammadaminzadeh, L., Seifi, M., & Faghihi, A. (2016). *Journal of Theory and Practice in Curriculum*, 3(6), 143-164. [In Persian].
- Morris, M. H., Allen, J. A., Kuratko, D. F., & Brannon, D. (2010). Experiencing family business creation: Differences between founders, nonfamily managers, and founders of nonfamily firms. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 34(6), 1057-1084.

- Movahedi, R., & Soleymanian Broujeni, J. (2017). Surveying the Education Role on Entrepreneurship Development among Rural Women. *jea*, 3(6), 24-33. [In Persian].
- Park, J. H., & Ahn, T. U. (2016). A Study on the Influence of Young Entrepreneurs' Entrepreneurship and Entrepreneurial preparation upon the Entrepreneurial Performance: Centered on Mediated Effect of Entrepreneurial infra system using. *Asia-Pacific Journal of Business Venturing and Entrepreneurship*, 11(1), 39-47.
- Strauss, A., & Corbin, J. (2017). *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*. Newbury Park, CA: Sage.
- Val, E., Gonzalez, I., Iriarte, I., Beitia, A., Lasa, G., & Elkoro, M. (2017). A Design Thinking approach to introduce entrepreneurship education in European school curricula. *The Design Journal*, 20, 754-766.
- Yi, G. (2020). From green entrepreneurial intentions to green entrepreneurial behaviors: The role of university entrepreneurial support and external institutional support. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 16(2), 1-17.
- Zia, B., & Veqar Mousavi, M. (2016). Investigating the Effect of Formal Entrepreneurship Trainings on Entrepreneurial Intention. *Journal of Entrepreneurship Development*, 9(1), 99-117.

Extended Abstract

Identifying the Components of Entrepreneurship Education for High School Students: A Qualitative Approach

Javad Jeddi Gargari¹, Yusef Mohebzadegan^{*2}, Mohammad Azizi³

Entrepreneurship is more than starting a business. As researchers such as Morris et al. and Kraus et al. believe, entrepreneurial behavior consists of such important features as recognizing opportunities, considering security-related risks, and seriousness in implementing innovative ideas. Indeed, the importance of entrepreneurship has caused the world's top universities to add entrepreneurship education and development of entrepreneurial thinking to their agenda. This is depicted in the summary of the Universal Declaration on Human Rights Education issued in October 1998 under the auspices of UNESCO in Paris, where it is stated that the development of entrepreneurial skills and initiatives should be among the major concerns of higher education. The aim of this study was to identify the components of entrepreneurship education for high school students. To this end, the study benefitted from a qualitative approach and a grounded theory method, which has been variously called as contextual theory, fundamental theory, foundation data theorizing, data-based theory, and data-derived theory. Data collection was done through conducting semi-structured interviews with the study participants who were selected based on theoretical sampling and comprised of professors and experts who had executive experiences in the field of entrepreneurship education, learning and businesses related to entrepreneurship in the educational system. It was tried to select individuals who were experienced enough and could provide the present researchers with expert opinions about the issues relevant to the present study. The researchers continued collecting data until data saturation was achieved, i.e. after interviewing 13 participants. The collected data was then coded through open, axial, and selective coding. First, conceptual categories were identified. Then, it was tried to find the connection between the initial categories, and then, the final themes of the study emerged through further classification of the identified categories. After that, the validity of codings was assessed through examining the findings that were obtained from coding and comparing it with the previous research findings. Based on the findings of this study, the main factors that could influence the development of a curriculum based on entrepreneurship education were categorized under 28 subcategories, including educational environment, government support, business community, teaching methods and human resources, and 7 main categories. Based on the overall results of this study, it is recommended that the education system provide the learners with the knowledge and

¹. PhD Student in Entrepreneurship Department, Qazvin Branch, Qazvin Islamic Azad University, Iran. mohamadata96@gmail.com

². Assistant Professor, Ministry of Science, Research and Technology, Tehran, Tehran, Iran. *Responsible author: moheb56@yahoo.com

³. Assistant Professor, Department of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran. mmazizi@gmail.com

skills for entrepreneurship because gaining the necessary skills can be an important prerequisite for successful entrepreneurship and individual and social development. Furthermore, the country's education authorities should take individual differences into account when establishing entrepreneurial and smart schools so that they can better educate individuals and make closer connections between educational environments and the business market.

Keywords: education; students; entrepreneurship; components of entrepreneurship education